

براساس اسناد منتشره از سوی ادوارد استون، تنها راه حمایت از اسرائیل ایجاد یک دشمن نزدیک مرزهای فلسطین اشغالی است. وی با ارائه اسنادی از همکاری اطلاعاتی آژانس امنیت ملی آمریکا، MI6 و موساد برای شکل‌گیری داعش خبر می‌دهد. از سوی دیگر سایت «اینترسپت» صحنه محکمی بر اظهارات استون گذاشت و تاکید کرد این ۳ سرویس جاسوسی و امنیتی، برای به‌وجود آوردن یک گروه تروریستی که بتواند افراطی‌ها را به خود جذب کند، با یکدیگر همکاری کردند و موفق شدند افراطیون ناآگاه و جاه‌طلبان مسلمان را با زر و زور دنیا فریب دهند تا به جای جنگیدن با اسرائیل، مسیر و محور مقاومت را هدف قرار داده و مردم بی‌دفاع را مرکز حملات وحشیانه خود قرار دهند.

گروه‌های تکفیری بویژه داعش از نظر ایدئولوژیک هم اسرائیل را در جهت دستیابی به آرمان از نیل تا فرات باری می‌کنند و شاهد آن را می‌توان دیدگاه تکفیری‌ها درباره سرزمین بیت‌المقدس و آرمان فلسطین دانست. به اعتقاد آنان فلسطین موجب فتنه در جهان اسلام است و هر کسی که پرچم فلسطین را به اهتزاز در آورد به فتنه‌افروزی کمک کرده است و نمود عملی این تفکر را در حملات وحشیانه ۵۱ روزه اسرائیل علیه غزه می‌توان به وضوح دید. هنگامی که اسرائیل نوار غزه را به بار حملات موشکی بسته بود و دل تمام آزادیخواهان جهان اعم از مسلمان و غیرمسلمان به درد آمده بود، تروریست‌های مدعی برپایی خلافت در سرزمین‌های اسلامی اعلام کردند جنگی با اسرائیل ندارند و فلسطین را حضرت مسیح آزاد خواهد کرد.

اگر حکومت‌های فعلی جهان را اندکی عمیق‌تر بررسی کنیم خواهیم دید تنها ۲ تفکر عمیق بر جهان حاکم است و بر مبنای آن ۲ تفکر ۲ حکومت دینی شکل گرفته است؛ یکی تفکر توحیدی است که پرچمدار آن ایران است و بیش از ۳ دهه است که با وجود فشارهای شدید بین‌المللی توانسته ندای حق و حقیقت را بر جهان طنین‌انداز کند و ملت‌ها و دولت‌های آزاد را با خود همراه کند و تفکر دیگر صهیونیزم است که با حمایت آشکار استعمارگران، ساکنان فلسطین را آواره و ایجاد یک سرزمین مستقل یهودی را بهانه کردند تا کانون فتنه را از داخل اروپا بیرون رانده و آن را به سرزمین فلسطین- مهد یکتاپرستی- منتقل کنند.

رژیم غاصب اسرائیل مانند یک غده سرطانی میل به گسترش و توسعه‌طلبی دارد و همانطور که در تاریخ چند ۱۰ ساله خود در منطقه ثابت



گروه‌های تروریستی تکفیری، فلسطین را فتنه جهان اسلام می‌دانند

داعش، سپر اسرائیل

- معمومه مرد جانی

کرده است در صورت امکان به تمام کشورهای خاورمیانه به صورت مستقیم و غیرمستقیم تجاوز می‌کند اما نیک می‌داند که این امر به‌صورت مستقیم محقق نخواهد شد و محور مقاومت بویژه ایران را نمی‌تواند از پای درآورد. پس به فتنه و ایجاد تفرقه که ریشه‌ای تاریخی در مبنای تفکر تئوریسین‌های استقرار یهود در خاورمیانه دارد، متوسل شده است. اسرائیل به عنوان سمبل دولت‌های غربی، عامل فتنه در خاورمیانه است. این رژیم منحوس هم‌اکنون سیاست «تفرقه بینداز و حکومت کن» را در پیش گرفته تا بتواند از نیل تا فرات-اراضی موعود در کتاب مقدس -را به چنگ آورد و در این مسیر از هیچ حربه‌ای دریغ نمی‌کند. رژیم‌صهیونیستی و حامیان آن تا زمانی که بتوانند به طور مستقیم وارد جنگ می‌شوند تا کمترین هزینه را متحمل شوند اما زمانی که از



تقویت گروه‌های تندرو و تکفیری بود که این امر نیز به خوبی شکل گرفت و توانست جهان اسلام را بیش از پیش از هم بپاشد و چهره‌ای منفور و خشونت‌طلب از اسلام و مسلمانان را به جهان عرضه کند.امروز جنایات رژیم کودک‌کش اسرائیل و نقش آن در فتنه‌های بزرگ جهان بویژه جهان اسلام بر کسی پوشیده نیست. این رژیم غاصب برای حفظ منافع صهیونیست‌ها و مستکبران به مردان، زنان و کودکان رحم نمی‌کند و از هیچ جنایتی روی‌گردان نیست و ذات چنین رژیمی چیزی جز توحش و جنایتکاری نیست اما اینک دستکش مخملی به دست دارد و با بسیاری از اعراب مترجع عقد اخوت بسته است. امروز بسیاری از شیوخ عرب و جنبش‌های افراطی در جهان اسلام در تور فتنه اسرائیل گرفتار شده‌اند و دشمن مشترک را که روزی آرمان همه اعراب بود، به فراموشی سپرده‌اند. فتنه آنچنان فضای منطقه را مه‌آلود کرده است که رژیم صهیونیستی با صدها کلاهک هسته‌ای به حاشیه رانده شده و تهدیدی برای امنیت منطقه محسوب نمی‌شود اما محور مقاومت بویژه ایران دشمن مشترک ا رتجاع غربی- صهیونیستی قرار گرفته است و در این مسیر شیوخ عرب با دشمن اصلی خود همکاری‌های لایم را به کار می‌برند تا بتوانند انقلاب اسلامی ایران و یزازان قدرتمند محور مقاومت، عراق، سوریه و حزب‌الله لبنان را از پای درآورند. فلسطین در سیاست خارجی ایران نقش بسزایی دارد و از روزی که امام خمینی (ره) اعلام کردند رژیم صهیونیستی را به رسمیت نمی‌شناسند و سرزمین‌های اشغالی متعلق به مردم فلسطین است تاکنون نظام جمهوری اسلامی ایران در این امر ثابت‌قدم و همواره در سیاست‌های خود پشتیبان مردم فلسطین بوده و تا زمان آزادی قدس سه حمایت‌های خود ادامه خواهد داد. جمهوری اسلامی ایران براساس تعالیم دین اسلام وظیفه خود می‌داند از مستضعفان جهان حمایت و بر مستکبران بنزاد و از آنجایی که مصداق اتمّ استکبار آمریکا و رژیم منحوس اسرائیل است، لذا مبارزه با سمبل قدرت تفکر صهیونیسم، اسرائیل را مبنای وحدت‌بخش جهان اسلام می‌داند و در این مسیر در حد توان از هیچ حمایتی از آزادیخواهان جهان بویژه در کشورهای عربی و اسلامی از دولت و ملت عراق و سوریه گرفته تا ملت شریف یمن، بحرین، مصر و دیگر کشورهای اسلامی دریغ نکرده است. راهبرد رهبران جمهوری اسلامی ایران مبنی بر اتحاد مستلمانان جهان علیه استکبار جهانی می‌تواند تنها گزینه جهان اسلام برای رهایی از فتنه «تفرقه بینداز و حکومت کن» اسرائیل باشد.

مجددا در سال ۲۰۱۲ به غزه حمله کرد ولی این بار ۸ روز بیشتر دوام نیاوردند. در این رهگذر آنچه برای رژیم اسرائیل سخت می‌آمد اتحاد و نزدیک شدن حماس با جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت بود که از جولای سال ۲۰۰۶ روز به روز در عرصه نظامی بیشتر نمود پیدا می‌کرد. فلذا در همین سال‌ها بود که اسرائیل و حامیان غربی‌اش به دنبال چاره‌ای برای ممانعت از قدرت روزافزون ایران و محور مقاومت سه فکر جنگ‌های نیابتی افتادند. محاصل تلاش‌های آنها در ۲ هدف اصلی خلاصه می‌شده: هدف اول همراه کردن بیش از پیش شیوخ عرب با اسرائیل بود که این امر تا حدودی محقق شد و بسیاری از کشورهای عربی از جمله عربستان و قطر بازوان نظامی اسرائیل برای سرکوب محور مقاومت و موج بیداری اسلامی محسوب می‌شوند و هدف دیگر ایجاد و

فردوست:اسرائیل دارای ۳ پایگاه جاسوسی در ایران بود

جاسوسی و کسب اطلاعات در برخی کشورهای عربی مبادرت می‌ورزید. به هر حال، اسرائیل دارای ۳ پایگاه برون‌مرزی در ایران بود که احتمالاً از سال ۱۳۳۷ این پایگاه‌ها ایجاد شده بود. این ۳ پایگاه در خوزستان (مرکز اهواز)، ایلام (مرکز ایلام) و کردستان (مرکز بانه یا مریوان) و در محلی مستقر بود که ساواک هم در آن محل باشد. در آن زمان اطلاعاتی از وضع این پایگاه‌ها نداشته و اداره کل آموزش هم وجود نداشت تا کسب اطلاع کنم، لذا برای آشنایی کامل و دقیق از سازمان برون‌مرزی اسرائیل و نحوه گردآوری اطلاعات، خواستم بهترین رئیس پایگاه به تهران احضار شود که گفته شد رئیس پایگاه خوزستان است. او ۳ روز در تهران ماند و صبح و بعدازظهر هر چه لازم بود، دیکته کرد و من همه را نوشتم و بعداً براساس آن یک جزوه مدون، تنظیم کردم. این جزوه به حدی کامل بود که بعدها هرچه در ساواک در زمینه برون‌مرزی اسرائیل داده می‌شد به کاملی این جزوه نبود. از همان روز اول مشخص بود که این فرد از افراد ممتاز سازمان برون‌مرزی اسرائیل است. لذا بعدها او را چند بار برای آموزش به اداره کل دوم دعوت کردم و متوجه شدم حتی از نیمروزی نیز ورزیدتر است. پایگاه‌های برون‌مرزی

از طریق جذب و گماردن مزدوران داخل ساواک و بعضی بلاد اسلامی و عربی، به سهولت قادر به تعقیب مطامع صهیونیسم در کشورهای عربی از طریق ایران بودند. هدف پایگاه‌های برون‌مرزی اسرائیل در ایران، عراق و کشورهای عربی بود و اکثر مأمورین را این ۳ پایگاه استخدام می‌کردند و پس از آموزش کامل مرحله بهره‌برداری شروع می‌شد. اکثر مأمورین پایگاه‌هایعراقی بودند ولی پایگاه خوزستان موفق شد تعدادی مأمور کویتی و بحرینی و از امیرنشین‌های امارات و حتی افرادی از عربستان سعودی را نیز استخدام

و به کار گمارد. به‌طوری‌که از این ۳ پایگاه کلیه اطلاعات لازم از عراق و تا حدی از کویت و امارات و عربستان و سوریه جمع‌آوری می‌شد. البته منظور اسرائیلی‌ها در شروع کار عراق بود ولی به تدریج امکانات به حدی زیاد شد که کشورهای فوق‌الذکر را نیز تحت پوشش قرار داد. یک نسخه از کلیه اطلاعات جمع‌آوری شده به اداره کل دوم ساواک تحویل می‌شد و یک نسخه نیز به سرعت به اسرائیل ارسال می‌گردید. باید اضافه کنم که اداره کل دوم ساواک نیز دارای حدود ۱۰ پایگاه برون‌مرزی برای کار در عراق و کشورهای عربی بود ولی نتیجه کار این ۳ پایگاه اسرائیلی حتی با مجموع کار آن ۱۰ پایگاه نیز قابل مقایسه نبود. علت، عدم ورزیدگی و عدم تجربه کافی رهبران برون‌مرزی اسرائیل

منبع: پژوه صهیونیست، مؤسسه مطالعات فلسطین

کتاب دوم، صص ۴۱۶-۴۱۴

روش غلط مذاکرات، علت امتیازدهی نامتوازن

مقابل رسیدن به توافق را هدف خود قرار داده و سخت به آن محتاج است و حاضر است برای حصول توافق امتیازات زیادی بدهد. هیات ایرانی با اصرار بر ادامه مذاکرات و پرهیز عملی از قطع آن، این امید را به طرف‌های مقابل داد که می‌توان با سماجت و فشار امتیازهای زیادی گرفت. در واقع هیات ایرانی از برنده‌ترین حربه در مقابل زیاده‌خواهی دشمن یعنی قطع مذاکرات هیچ بهره‌ای نبرد، ما می‌توانستیم با اتکال به خداوند متعال و اعتماد به نفس با قطع مذاکرات و ترک عملی و نه شعاری میز مذاکرات، طرف‌های مقابل را که بشدت نیازمند توافق بودند به عقب‌نشینی وادار کنیم و خواسته‌های مشروع و بحق خود را به کرسی بنشانیم البته این به آن معنی نیست که ما در مذاکرات هیچ چیزی نباید به طرف مقابل بدهیم بلکه به این نکته اشاره می‌کند که ما نباید تحت فشار طرف مقابل از خطوط قرمز خود عقب‌نشینی می‌کردیم. ما می‌توانستیم با قطع مذاکرات، اراده جدی و قاطع خود را به طرف مقابل تفهیم کنیم. وقتی دشمن عزم راسخ و جدی ما را درمی‌یافت بعد از مدت زمانی کوتاه سر عقل

آمده و خود پس از عقب‌نشینی از خواسته‌های نامشروعش تقاضای ادامه مذاکرات را می‌داد. به عبارت دیگر باید هدفگذاری دولت از موضوعیت داشتن توافق به دستیابی به توافق خوب تغییر می‌کرد که با این استراتژی صحیح ما باید روش درست رسیدن به آن هدف یعنی مذاکرات منقطع را

انتخاب می‌کردیم. مذاکرات منقطع یعنی وقتی هیات ایرانی با زور گویی دشمنان مواجه می‌شود، دست‌بسته و مستاصل و منفعل نباشد و ابتدا با تهدید به ترک میز مذاکره و سپس در صورت اصرار طرف مقابل بر خواسته‌های نامشروعش با عملی کردن آن واکنش مؤثری به آنها نشان بدهد و دشمن را تحت تاثیر اراده قوی و مستحکم خود قرار دهد. اما در حال حاضر با توجه به متنی که به برجام موسوم شده و مسورد توافق قرار گرفته در شرایط فعلی تصویب و تایید آن از طرف شورایعالی امنیت ملی چیزی جز تن دادن به یک توافق نامتوازن و یک‌طرفه و متوقف‌کردن پیشرفت صنعت هسته‌ای نیست، پس لازم است مسؤولان و اعضای شورایعالی امنیت ملی با رد این متن و تغییر روش مذاکرات از روش لاینقطع به روش منقطع، منافع و مصالح ملی را دنبال کرده و با ادامه فعالیت‌های هسته‌ای و به موازات آن ادامه مذاکرات، اهداف نظام را دنبال کنند، نه اینکه با تن دادن به خواسته‌های دشمن، مصالح و منافع ملی را قربانی کنند.



به کار گمارد. به‌طوری‌که از این ۳ پایگاه کلیه اطلاعات لازم از عراق و تا حدی از کویت و امارات و عربستان و سوریه جمع‌آوری می‌شد. البته منظور اسرائیلی‌ها در شروع کار عراق بود ولی به تدریج امکانات به حدی زیاد شد که کشورهای فوق‌الذکر را نیز تحت پوشش قرار داد. یک نسخه از کلیه اطلاعات جمع‌آوری شده به اداره کل دوم ساواک تحویل می‌شد و یک نسخه نیز به سرعت به اسرائیل ارسال می‌گردید. باید اضافه کنم که اداره کل دوم ساواک نیز دارای حدود ۱۰ پایگاه برون‌مرزی برای کار در عراق و کشورهای عربی بود ولی نتیجه کار این ۳ پایگاه اسرائیلی حتی با مجموع کار آن ۱۰ پایگاه نیز قابل مقایسه نبود. علت، عدم ورزیدگی و عدم تجربه کافی رهبران برون‌مرزی اسرائیل

منبع: پژوه صهیونیست، مؤسسه مطالعات فلسطین

کتاب دوم، صص ۴۱۶-۴۱۴

تقویم تاریخ

تظاهرات دانشجویان در آمریکا در حمایت از نظام اسلامی(۱۳۵۹ش)



به‌دنبال پیروزی انقلاب اسلامی و قطع دخالت و نفوذ بیگانگان بویژه آمریکا در امور داخلی ایران، دولت ایالات متحده سعی می‌کرد به هر نحو ممکن، منافع قبلی خود در زمان طاغوت را بار دیگر به‌دست آورد. همزمان با گسترش این اعمال فشار، حمایت از انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی از سوی دانشجویان ایرانی و غیرایرانی در کشورهای مختلف صورت عمل به خود می‌گرفت. در این میان، دانشجویان عضو انجمن‌های اسلامی آمریکا، کانادا و جمعی دیگر از طرفداران حکومت اسلامی ایران در مقابل کاخ سفید تجمع کردند که تجمع آنها مورد پوشش پلیس آمریکا واقع شد. در این حال، ده‌ها نفر بازداشت شدند اما با اعتصاب غذای آنها در بازداشتگاه، پلیس آنان را آزاد کرد. در این فاصله دانشجویان ایرانی مقیم انگلستان نیز که در حمایت از دانشجویان بازداشت شده در آمریکا تجمع کرده بودند مورد حمله پلیس لندن قرار گرفته و در حدود ۱۵۰ نفر بازداشت شدند. این اعمال با اعتراض امام‌خمینی(ره) مواجه شد. ایشان در جریان دیدار نماینده پاپ با معظم‌له، از ظلم و ستم آمریکا، شوروی و انگلیس نسبت به ایران یاد کرده و ضمن اشاره به وضع دانشجویان فرمودند: شما می‌دانید با این جوان‌های ما، الان آمریکا چه می‌کند و پلیس آمریکا چه کرده است. آیا آقای پاپ می‌دانند جوان‌های ما در غل و زنجیر، با دنده‌های شکسته که بعضی در حال بی‌هوشی هستند، آیا ایشان توجه دارند؟

■ ■ ■

عزیمت پیامبر(ص) به طائف»
(۳ سال قبل از هجرت)

سفر تبلیغی پیامبر اسلام به شهر طائف در نزدیکی مکه در حالی صورت گرفت که به تازگی ابوطالب، یاور و حامی بزرگ آن حضرت، وفات یافته و به‌همین دلیل، مشرکان قریش بر آزار و اذیت خود علیه پیامبر، افزوده بودند. بنابراین اگر اهالی طائف به اسلام می‌گرویدند، این شهر پایگاه و محل امنی برای مسلمانان تحت‌ستم مکه می‌شد. اما سران قبیله ثقیف در طائف، نه تنها به خدای یکتا و رسالت حضرت محمد(ص) ایمان نیاوردند، بلکه به تحریک آنها برخی مردم نادان، پیامبر اکرم(ص) را مورد آزار و اذیت قرار دادند و ایشان را مجروح کردند.

■ ■ ■

پایان دوره ترور و وحشت در جریان انقلاب فرانسه(۱۷۹۴م)



پس از اعدام لویی شانزدهم در ۲۱ ژانویه ۱۷۹۳م، درگیری‌های داخلی در فرانسه ایجاد شد و اختلافات شدیدی میان وراثان حکومت شکل گرفت. در نهایت پس از حمله سازمان‌یافته افراطیون، نمایندگان مخالف دستگیر یا متواری شدند و از اول ژوئن ۱۷۹۳م، قدرت به طور مطلق در اختیار رهبر تندروها به نام ماکسیمیلیان روبنسیپر قرار گرفت. به‌دنبال آن یک کمیته نجات‌ملی که روبسیپر در رأس آن قرار داشت زمام امور فرانسه را به‌دست گرفت. در دوران حکومت کمیته نجات ملی که بیش از یک سال به‌طول انجامید، یکی از خون‌بارترین مراحل انقلاب فرانسه است که به دوران ترور یا وحشت معروف شده است. در دوران حکومت کمیته نجات‌ملی در فرانسه، حدود ۳۰۰ هزار نفر بازداشت و حداقل ۱۷ هزار نفر اعدام شدند. مقررات محاکمه و مجازات در این دوران تغییر یافت و دادگاه‌های انقلابی، دیگر الزامی به رعایت مقررات معمول قضایی نداشتند. حق استیناف و فرجام‌خواهی از میسان رفت و احکام دادگاه‌ها، قطعی و لازم‌الاجرا شد. دادگاه‌های پاریس در عرض یک ماه ۱۳۰۰ حکم اعدام صادر کردند و دستگاه‌های گیوتین در چند نقطه شهر، هر روز به طور متوسط سسر ۴۰ نفر را از تن جدا می‌کردند. در دوران حکومت ترور در فرانسه، شورش ایالت‌ها نیز با خشونت و بی‌رحمی بسیار سرکوب شد و سر هزاران نفر زیر گیوتین رفت. اما این حکومت دوام زیادی نداشت و پس از یک سسال و اندی به دنبال قیام علیه روبنسیپر و اعدام‌ام او در ۲۷ جولای، دوران حکومت ترور پایان یافت. در نهایت، مردم پاریس در شب ۲۸ جولای ۱۷۹۴م پایان حکومت وحشت را جشن گرفتند و زندانیان در بند کمیته نجات ملی فرانسه را آزاد کردند.